

به ادامه گذشته

6 سپتامبر 2012

فقیرمحمد ودان

برخی مسایل پیرامون وظایف مبرم کنونی ما

قسمت هشتم

حزب وطن جهت ایجاد ، تحکیم ، گسترش و تعمیق ارزشهای جامعه رفاه - بمثابة هدف دورنمایی خویش - به مبارزه دموکراتیک سیاسی متعهد است، بنابراین دستیابی به تامین امنیت اجتماعی هریک از شهروندان و همچنان گروه های اثنیکی ، سنی ، جنسی و اصناف مشغول در نظام اقتصادی کشور را در اولویت اهداف مبارزه سیاسی خویش قرار داده است و مصمم است که جهت تدارک امکانات بمنظور رشد و ارتقای سطح مهارت های اجتماعی هموطنان و زمینه های اشتغال برای آنان تلاش نموده ، همچنان جهت تدارک امکانات بمنظور استفاده معقول آنان از اوقات فراغت و تفریح شان ، حفظ سلامت کانون خانوادگی آنان مطابق به ارزشهای انسانی فرهنگ افغانی و حمایت از افراد و گروه های اجتماعی آسیب پذیر - مانند کودکان ، زنان ، ساکنین محلات و مناطق عقب نگهداشته شده کشور ، معیوبین و معلولین ، خانواده های بی سرپرست و یا دارای عواید کم و ناکافی برای تامین معیشت حد اقل شان - را از اولویت های اهداف مبارزه سیاسی خود در عرصه اجتماعی میداند .

برای دستیابی به اهداف فوق ، مسوده مرامنامه حزب وطن در «عرصه اجتماعی» مشعر است :

1 - «مردم افغانستان متشکل از اقوام متعدد است که باید عینیت وجود آنان در ساختار نهاد های سیاسی واجتماعی افغانستان بطور عادلانه و دموکراتیک انعکاس قوی داشته باشد . حزب وطن مخالف تاسیس و تشکل ساختارهای سیاسی بر مبنای تعصبات تنگ نظرانه اثنیکی ، زبانی ، سمتی ، مذهبی بوده ، همچنان سو استفاده های سیاسی و مداخلات غرض آلود خارجی را که بمنظور ایجاد خصومت میان مردم باهم برادر ساکن کشور صورت میگیرد ، محکوم مینماید .»

در قسمت هفتم این سلسله از مباحث ، به اهمیت نتایج کیفی تلاش و مبارزه خردورزانه اقوام متعدد هموطن بر پروسه قوام و تکوین ارزشهای ملی و همچنان نقش و مسوولیت آنان بر رشد و انکشاف اجتماعی - اقتصادی کشور، بحث صورت گرفت که تکرار آن لزومی ندارد . پراگراف فوق - نقل شده از مسوده مرامنامه حزب وطن - بر وجود و حضور عادلانه و دموکراتیک اقوام متعدد ساکن کشور در ساختارها و نهادهای سیاسی و اجتماعی تاکید میدارد ، با این تفاوت که :

الف : «حزب وطن مخالف تاسیس و تشکل ساختارهای سیاسی بر مبنای تعصبات تنگنظرانه اتنیکی ، زبانی ، سمتی ، مذهبی» است . این تاکید به آن معنی است که در ترکیب هر یک از ساختار های سیاسی سرتاسری (ارگانهای مرکزی دولتی و احزاب) و ساختارهای محلی دولتی - بادر نظر داشت ترکیب اجتماعی ساحه مسوولیت و تاثیر آنان - وجود و حضور هر یک از گروه های اتنیکی ، زبانی ، سمتی و مذهبی بطور دموکراتیک تامین گردیده و نباید ساختار های متذکره بطور انحصاری متشکل از افراد یک گروه اتنیکی (پشتون ، تاجک ، هزاره ، ازبک ، ترکمن ، بلوچ ، نورستانی و ...) ، یا گویندگان یک زبان (پشتو ، دری ، ازبکی ، ترکمنی ، بلوچی و ...) ، یا از باشندگان یک سمت و منطقه (شمال ، جنوب ، شرق و غرب ساحه مسوولیت و تاثیر آنان) و یا پیروان یک مذهب (شعبه و سنی و ...) باشند . تجربه کشور های مختلف - منجمله تجربه کشور ما نیز - با وضاحت تمام مؤید نتایج فاجعه بار ساختار های سیاسی مربوط به یک قوم ، گویندگان یک زبان ، باشندگان یک سمت و پیروان یک مذهب بوده است . حقایق تاریخی و کنونی کشور ما مبین این واقعیت اند که چنین ساختار های سیاسی - بخصوص احزاب که ساختار های سیاسی اثرگذار در عرصه ملی اند - به نفاق ملی و محلی دامن زده ، وفاق اجتماعی و پروسه تحکیم وحدت ملی و تکوین ملت را با موانع و دشواری ها مواجه ساخته و زمینه های مداخلات غرض آلود خارجی را تدارک دیده ، که در نتیجه تداوم و تعمیق مداخلات مذکور ، این ساختار های سیاسی به افزار دفاع از منافع بیگانه و در مخالفت با منافع ملی ، مبدل گردیده اند .

باید تذکار نمود که تامین وجود و حضور دموکراتیک هریک از گروه های قومی ، زبانی ، سمتی و مذهبی در ترکیب هریک از ساختارهای سیاسی مرکزی و محلی (بادر نظر داشت ساحه مسوولیت و تاثیر آنان) ، اهداف ، شعار ها ، تصامیم و عملکرد سیاسی آنان را در سطح ملی متوازن ساخته ، جوشش و وفاق اجتماعی و در نتیجه وفاق ملی را تحکیم بخشیده ، به تقویت و تسریع پروسه تکوین ملت در عرصه های اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی کمک مینمایند .

ب - سازمانهای اجتماعی با در نظر داشت ساحه تاثیر و اهداف مطروحه یی که برای دستیابی با آنان تلاش مینمایند ، از همدیگر تفکیک میگردند .

- سازمانهای اجتماعی که دارای ساحه تاثیر و مسوولیت سراسری وطنی اند ؛ مانند : سازمانهای اجتماعی دفاع از حقوق جوانان ، زنان ، کارگران و کارمندان (کارکنان و مزد بگیران) ، کارفرمایان ، هنرمندان ، ژورنالیستان و ... ، بنابر خصلت سراسری وطنی شان ، می باید وجود و حضور نمایندگان تمامی گروه های اتنیکی ، زبانی ، مذهبی و سمتی مربوطه شان را بطور دموکراتیک در ترکیب و در تمامی سطوح رهبری کننده ساختاری خویش ، تامین نمایند .

- سازمان های اجتماعی که خصلت سراسری نداشته و نمیتوانند تمام گروه های اجتماعی را شامل گردند ؛ مانند انجمن های مربوط به بخش های مختلف فرهنگی گروه های متعدد اجتماعی ؛ بطور مثال انجمن های متعدد که هریک متعهد به حفظ و غنای زبان و ادبیات یک زبان مشخص - پشتو ، دری ، ازبکی ، ترکمنی ، بلوچی و سایر زبان های مروج کشور - و یا هم سازمانها و سایر ساختار های اجتماعی متعهد به یک دین و یا مذهب ، از این نوع سازمانهای اجتماعی اند. این سازمانها و نهاد ها حق و مسوولیت دارند تا جهت دستیابی به اهداف مطروحه شان ، در مطابقت به قوانین کشور سعی و تلاش نمایند . این حق و مسوولیت ، به سازمانهای اجتماعی امکان میدهند که بنابر ماهیت اهداف شان ، به حمایت ، حفظ و گسترش حقوق دموکراتیک یک گروه اتنیکی ، گویندگان یک زبان ، پیروان یک دین و یا مذهب و باشندگان یک سمت و یا محل پرداخته ، بخش های خاص از جامعه افغانی را در ساختارهای شان متشکل ساخته و نیروی اجتماعی تاثیر گذار را جهت دستیابی به اهداف مطروحه شان ، تدارک و بمثابه افزار فشار ، بر تصمیم گیری ساختار های سیاسی (دولت و احزاب) اثر بگذارند . عملکرد این سازمانها نه تنها تحرک اجتماعی را ایجاد و تشویق مینمایند بلکه انعکاس

خواسته های متنوع و حتی متضاد آنان در حوزه سیاسی (ارگانهای دولتی و احزاب ، با مشخصات فوق الذکر) ، تصمیم گیری ها و عملکرد این حوزه را متوازن میسازد .

افزون بر آن این سازمانهای اجتماعی بمنظور اثر گذاری هرچه بیشتر ، میتوانند با حفظ منافع و ساختارهای تشکیلاتی شان ، در فدراسیون های سراسری مربوط شان ؛ متحد شوند . مثلاً انجمن های فرهنگی مربوط به زبانهای متعدد مروج در کشور ، میتوانند در یک فدراسیون واحد (فدراسیون انجمن های زبانها و ادبیات مروج افغانستان) ساختار واحد و در نتیجه اراده متوازن را در عرصه ملی تبارز دهند .

2 - بهبود کیفی عرضه آن بخش از خدمات اجتماعی مورد نیاز که لازم و ضرور اند ، نیز یکی از مشخصات بنیادی جامعه رفاه محسوب میگردند . بدین ملحوظ بند دوم «عرصه اجتماعی» مسوده مرامنامه حزب وطن ، صراحت دارد که : «حزب از سیاست ها و تدابیری به منظور گسترش شبکه و بهبود کیفی خدمات اجتماعی چون : عرضه خدمات صحتی ، کودکستانها ، شیرخوارگاه ها ، خانه سازی و تهیه مسکن ، اعمارپارک ها، تفریحگاه ها ، استراحتگاه ها ، ورزشگاه ها و سایر تاسیسات برای سرگرمی های سالم جوانان ، اطفال و سالمندان ؛ تاسیس بیمه های صحتی ، تقاعد ، معلولیت و معیوبیت ، حیات ، دارایی ، ملکیت ها و غیره ؛ مواظبت سازمانیافته ، متداوم و بدون تبعیض و تمایز از معیوبین ، معلولین ، خانواده های قربانیان جنگ و عودت کنندگان بوطن ، تامین حقوق معقول در دوران حاملگی و زایمان برای زنان و اتخاذ سایر تدابیر حمایتی از طفل و مادر؛ حمایت همه جانبه از کوچیهای افغانستان بمنظور ارتقای سطح زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان و در قدم نخست در موارد اسکان مجدد ، اشتغال، حفظ الصحه ، تعلیم و تربیه آنان ، پشتیبانی مینماید.

حزب از تامین خدمات اجتماعی رایگان برای اقشار نادر جامعه بوسیله دولت، پشتیبانی نموده و برای گسترش آن مبارزه مینماید. «

3 - تامین امنیت اجتماعی بدون انفاذ مبانی حقوقی و تشکیل ساختار های اجتماعی متضمن آن ، ممکن بوده نمیتواند . حزب وطن بمثابه نهاد سیاسی متعهد به مبارزه پیگیر در راه دستیابی به امنیت اجتماعی مردم افغانستان ، مطابق به بند سوم وظایف مرامی خویش در عرصه اجتماعی ، مصمم است که : « از آزادی فکر و بیان ، مصونیت حریم خانواده ها ، پست و مخابرات ، آزادی انتخاب شغل و مسلك ، حق کار ، حق انتخاب آزاد محل سکونت و مسکن ، حق آزادانه سفر ، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ، حق تشکیل اجتماعات صلح آمیز ، تاسیس سازمان های اجتماعی ؛ اتحادیه های صنفی و مسلکی بخصوص اتحادیه های کارگران و دهقانان ، معلمان ، محصلان و سایر کارکنان عرصه های فرهنگی ، سازمانهای جوانان ، انجمن های دفاع از حقوق بشر و از جمله حقوق زنان ، حقوق جوانان ، حقوق کودک ، حقوق معلولین و معیوبین و حمایت از حفظ محیط زیست ، دفاع و پشتیبانی نموده و وظیفه خود میداند تا علیه تمام رسم و رواجهای خرافی نی مبارزه نماید که به شکلی از اشکال حقوق مدنی اتباع کشور را تهدید مینماید .»

4 - حزب وطن بنابر ماهیت بشردوستانه و عدالت خواهی خویش و همچنان بمثابه نیروی سیاسی مخالف گرایش های غیر دموکراتیک ، که زندگی آرام و صلح آمیز اجتماعی را مخدوش میسازند ، مصمم است علیه انواع مختلف تبعیض میان شهروندان متساوی الحقوق کشور ، بخصوص تبعیض علیه زنان ، مبارزه نماید . زنان افغانستان نه تنها مانند سایر هموطنان ، از تمامی مظاهر جنگ و عقب مانی اجتماعی - اقتصادی کشور رنج می برند ، بلکه افزون بر آن تحت فشارهای روبنژاید تبعیض جنسی نیز قرار دارند . حقایق تاریخی کشور طی سالهای 1371 - 1381 (1992 - 2002) مؤید آن اند که زنان افغانستان با از دست دادن حقوق نسبی که طی مبارزات طولانی شان در سالهای 1343 - 1371 خورشیدی (1964 - 1992 عیسایی) بدست آورده بودند ، با نقض

خشن این حقوق خویش از مواضع دولتی و ساختار های نظامی - سیاسی حاکم بر آن ، مواجه گردیده اند . هم اکنون نیز باوجود مبانی نافذ حقوقی ، نیروهای راستگرای قرون وسطایی در دولت و در اپوزسیون مسلح و غیر مسلح آن ، بزرگترین خطر بالقوه و بالفعل برای حقوق زنان افغانستان محسوب میگردند . بادر نظر داشت موجودیت چنین تهدیدی ، حزب وطن هر نوع تبعیض ، سوء استفاده جنسی و بکاربرد خشونت علیه زنان را محکوم نموده ، در بند چهارم وظایف مرامی خویش در عرصه اجتماعی ؛ تذکار میدارد که : « حزب وطن مخالف هر نوع تبعیض و سوء استفاده جنسی و خشونت در برابر زنان است و از سهمگیری فعال زنان افغانستان در تمام عرصه های حیات مدنی (سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی) دفاع مینماید . ما از مبارزات سازمانیافته و متشکل زنان آگاه و پیشگام کشور بمنظور رهایی زنان از ستم و احقاق حقوق کامل آنان، حمایت و پشتیبانی مینمائیم .»

5 - افغانستان کشوریست که از آغاز بحران در سال 1352 خورشیدی تا اکنون ، گسترده ترین کمیت مهاجرین و پناهندگان را به کشورهای مختلف جهان داشته ، که آنان در مقاطع مختلف تعمیق و تداوم این بحران ، کشور شان را ترک نموده اند . براساس احصائیه های رسمی سازمان ملل در سال 2011 عیسایی ، افغانستان با داشتن 2,4 میلیون مهاجر در همین سال ، بزرگترین رقم مهاجر را در میان کشورهای جهان دارا می باشد . این در حالی است که وزارت امورمهاجرین و عودت کنندگان افغانستان تعداد افغانهای مقیم خارج را در حدود 6 میلیون نفر میداند که در 75 کشور جهان پراکنده اند . بنابراین هیچ نیروی سیاسی متعهد به منافع ملی کشور نمیتواند و نباید نسبت به سرنوشت چنین کمیت از مردم افغانستان و ابعاد متعدد زندگی و تاثیرات آنان بر وضعیت سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی کشور ، توجه ننماید . بنابر درک چنین مسوولتی است که حزب وطن در پاراگراف پنجم وظایف مرامی خویش در عرصه اجتماعی ؛ تاکید داشته است : « ما معتقدیم که مهاجرین افغان و آنده افغانهاییکه طی سالیان طولانی مهاجرت در خارج کشور تولد و یا تابعیت اخذ نموده اند ، جز انفکاک ناپذیر جامعه افغانی و بخش بزرگ سرمایه با ارزش انسانی وطن ما اند . حزب از تاسیس سازمانهای فرهنگی این هموطنان و گسترش فعالیت این سازمانها بخاطر حفظ ارزشهای افغانی و از حقوق و منافع این هموطنان بشمول اصل تابعیت دوگانه آنان دفاع نموده ، معتقد است که این تدابیر میتواند علایق سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی آنها را با مادر وطن اصلی شان ، پیوسته تحکیم و تقویت نماید.»

با ختم توضیحات پیرامون مسایل مطرح در «عرصه اجتماعی» مسوده مرامنامه حزب وطن ، بحث بعدی به توضیح مسایل مربوط به عرصه اقتصادی در مسوده مرامنامه مذکور اختصاص خواهد داشت .

ادامه دارد